

نحمیا باب 4

خداوند نقشهٔ مخالفان را با شکست روبه‌رو می‌کند

1 هنگامی که سنبط شنید ما یهودیان بازسازی دیوار را آغاز کرده‌ایم، بسیار خشمگین شد و ما را مورد تمسخر قرار داد. 2 در برابر همراهان و سپاهیان سامری گفت: «این یهودیان ناتوان چه می‌کنند؟ آیا در نظر دارند شهر را بازسازی کنند؟ آیا می‌اندیشند که با قربانی کردن می‌توانند کار را یک روزه به پایان برسانند؟ آیا می‌توانند از این توده سنگهای سوخته، سنگهایی برای بنا پیدا کنند؟»

3 طوبیا در کنار او ایستاده بود و گفت: «چه دیوار سنگی خواهند ساخت؟ اگر روباهی از آن بالا رود فرو خواهد ریخت!»

4 آنگاه دعا کردم: «ای خدا بشنو که چگونه ما را مسخره می‌کنند! بگذار آنچه به ما می‌گویند بر سر خودشان بیاید. بگذار تا آنچه دارند تراج شود و خودشان به سرزمین بیگانه به اسارت برده شوند.

5 شرارت ایشان را نبخش و گناهانشان را فراموش نکن، زیرا به ما سازندگان دیوار اهانت کرده‌اند.»

6 پس ما به بازسازی دیوار ادامه دادیم و بزودی نصف ارتفاع دیوار ساخته شد، زیرا مردم با دل و جان کار می‌کردند.

7 هنگامی که سنبط، طوبیا، اعراب، عمونیان و اشدودیان شنیدند که ما در بازسازی دیوار اورشلیم پیشرفت کرده‌ایم و شکافهای آن بسته می‌شود، بسیار خشمگین شدند. 8 پس با هم نقشه کشیدند که برضد اورشلیم بجنگند و اغتشاش به پا کنند، 9 اما ما به درگاه خدایمان دعا کردیم و روز و شب علیه آنان نگهبانانی قرار دادیم.

10 مردم یهودا زمزمه می‌کردند:

«ما از حمل بارها ضعیف شده‌ایم

خرده سنگهای زیادی برای بیرون بردن وجود دارد.

ما امروز چگونه می‌توانیم دیوار را بنا کنیم؟»

11 دشمنان ما با خود می‌اندیشیدند: «پیش از اینکه بدانند و ببینند، به میان ایشان خواهیم رفت و ایشان را می‌کشیم و کار ساختن دیوار نیمه تمام خواهد ماند.» 12 بارها یهودیانی که در میان دشمنان زندگی می‌کردند، آمدند و در مورد نقشه‌های ایشان برضد ما هشدار دادند. 13 بنابراین مردم را با شمشیر، نیزه و کمان مسلح کردم و بر طبق خاندانشان در پشت قسمت‌های ناتمام دیوار به نگهبانی گماشتم.

14 پس از اینکه اوضاع را بررسی کردم، برخاستم و به بزرگان، سروران و قوم گفتم: «از ایشان مترسید.

خداوند را به یاد آورید که بزرگ و مهیب است و برای خویشاوندان، فرزندان، همسران و خانه‌هایتان

بجنگید.» 15 دشمنان ما شنیدند که از نقشه‌های ایشان آگاه شده‌ایم و دریافتند که خدا نقشه‌هایشان را با

شکست روبه‌رو کرده است، سپس همه ما به انجام کارهای خود بازگشتیم.

16 از آن روز به بعد نیمی از مردان بازسازی می‌کردند و نیمی دیگر مسلح به نیزه، سپر، کمان و زره،

نگهبانی می‌دادند و رهبران از مردمی که دیوار را می‌ساختند، کاملاً پشتیبانی می‌کردند. 17 حتی کسانی که مصالح ساختمانی حمل می‌کردند، با یک دست کار می‌کردند و به دست دیگر سلاح داشتند. 18 هرکس که مشغول ساختن بود، شمشیری به کمر بسته بود. مردی که مسئول به صدا درآوردن شیپور خطر بود، در کنار من ایستاده بود. 19 من به مردم، سران و رهبران ایشان گفتم: «کار بسیار گسترده است و ما در روی دیوار از یکدیگر دور هستیم. 20 هر موقع صدای شیپور را شنیدید به آنجا بیایید، خدایمان برای ما جنگ خواهد کرد.» 21 هر روز از سحرگاه تا شبانگاه هنگامی که ستاره‌ها بیرون می‌آمدند، نیمی از مردان کار می‌کردند و نیمی دیگر با نيزه نگهبانی می‌دادند.

22 در این هنگام به تمام مردانی که مسئولیتی داشتند گفتم که هرکس با کارگزارانش شب را در اورشلیم بماند بنابراین ما توانستیم شهر را در شب نگهبانی کنیم و هنگام روز کار کنیم. 23 من، همراهان، کارگران و محافظین من حتی در شب، لباس خود را از تن در نیاوردیم و هرکدام اسلحه خود را در دست داشتیم.